

راهکار امام رضا (ع) در برابر هلمقابلها آنها جمل فرهنگ

۷ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۵۴

مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ را فرهنگ می‌نامند

تبادل فرهنگی ملت‌ها که در طول تاریخ در بستری طبیعی ادامه داشته برای تازه‌آماندن معارف و حیات فرهنگی بشر امری ضروری است و جامعه انسانی را در مسیر سعادت واقعی به پیش می‌برد. اما آنچه امروزه مشکل‌ساز شده است «تهاجم فرهنگی» یا غلبه یک فرهنگ بر سایر فرهنگها می باشد به ویژه فرهنگ اسلامی است. بدیهی است که کار و تهاجم فرهنگی بدون بستر سازی مناسب برای رسیدن به اهداف ممکن نیست به این شکل که اگر همه لوازم تهاجم فرهنگی فراهم شود ولی شرایط و بستر مناسب وجود نداشته باشد در واقع همه تلاشهای قبلی ناکام می ماند. بر این اساس معاندین اسلام ناب از نخستین لحظات رحلت نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) پیوسته در پی مخدوش نمودن و تغییر باورهای اصیل اسلامی بوده اند. یکی از رسالتهای اصولی و ارزشمند پیامبران و جانشینان راستین شان، هدایت علمی، فکری و فرهنگی جامعه بشری است و رشد و شکوفایی خرد انسانها از برنامه های اساسی آنها قرار دارد که در تمامی دوران رهبری خویشی به این موضوع حیاتی توجه داشته اند و در راه آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند. امامان شیعه (ع) نیز همانند پیامبران الهی و پیامبر بزرگوار اسلام برای تکامل معنوی و عقلی و فرهنگی انسانها به تلاشهایی توان فرسا اقدام نمودند و در راه این هدف از هر شیوه و وسیله ای استفاده کردند. در مقابل این هدایتگری ها و کمال جویی های انسانی، خلفای اموی و عباسی از روزهای آغازین دولتشان با این مانع بزرگ روبه رو گردیدند که با رشد فرهنگ اسلامی و افزایش فکر و فرهنگ جامعه و گسترش آگاهی و بیداری در میان مردمان با مشکلات اساسی روبه رو خواهند شد و اگر فکر و فرهنگ در جامعه گسترش یابد و بیداری وجدان توده های انسانی فراگیر شود، دستگاههای ستم باره و خودکامه با موانعی سرسخت روبه رو خواهند گشت و انسانهای بیدار و راه شناخته و دشمن شناس هستند که بر همه ی موانع پیروز می گردند و در برابر همه خودخواهان و سلطه طلبان می ایستند و مانع سلطه و نفوذ آنان می گردند. به این جهت خلفای اموی و عباسی بر آن شدند تا در مقابل فرهنگ واقعی قرآنی و اسلامی برای خامی و نا آگاه نگاه داشتن مردمان بکوشند و در برابر فرهنگ زندگی ساز اسلامی، فرهنگ بدلی و صوری بسازند. برای این مقصود از فرهنگهای بیگانه استفاده کردند و فلسفه ها و مسائل کلامی و اندیشه های ادیان و مذاهب دیگر را ترجمه کردند و در جامعه اسلامی رواج دادند و شبهات بسیاری را در ذهن توده های مردم وارد ساختند. توده ها را به سوی این افکار سوق دادند و تشنگی روان جامعه را بدین گونه فرو نشانند که هدف اصلی آنان، روی برتافتن مردم از فرهنگ تعالیم ناب اسلامی بود.

امام رضا (ع) که در دوران اوج این فرهنگ سازی دروغین و تهاجم بزرگ فرهنگی به آموزشهای اسلامی و شیعی قرار داشت، همانند امامان دیگر به مبارزه با این تهاجم گسترده اقدام و با مناظره و گفت و گو با بزرگان ادیان و مذاهب و فیلسوفان و متکلمان

در هر زمان و هر مکانی (در مدینه، مکه، بصره، کوفه، مرو و خراسان) به آموزش و گسترش اندیشه های اسلامی و باورهای حقیقی قرآنی پرداختند و به اندیشه های وارداتی و بیگانه پاسخ می دادند، بدین گونه که اندیشمندان به نادرستی اندیشه هایشان اعتراف کرده اند و این چنین درستی آموزشهای قرآنی و اندیشه های راستین شیعی را برای همگان آشکار می کرد و روشن می ساخت هر که جویای تعالیم اسلامی است، باید آن را از مفسران واقعی و حقیقی قرآن فراگیرد.

حضرت رضا (ع) در مجموعه گفتمانهای خود با متفکران مذاهب و مکتبها تمامی نقشه های خلفا را نقش بر آب کرد و جویندگان راستین علوم الهی را آگاه ساخت که علم حقیقی را از درس آموزان مدرس وحی بیاموزند. مأمون، خلیفه عباسی در مرو برای اینکه علم امام رضا (ع) را زیر سوال ببرد؛ بزرگان مذاهب، ادیان و دانشمندان و فیلسوفان و متکلمان بزرگ را گرد آورد تا با امام مناظره و گفت و گو کنند. به گمان اینکه امام (ع) در پاسخ آنها در خواهد ماند و از گرایش توده ها به ایشان کاسته خواهد گشت. حسن بن محمد نوفلی هاشمی می گوید: آنگاه که امام رضا (ع) به مرو وارد شد، مأمون به وزیر خویش، فضل بن سهل گفت تا بزرگان ادیان و اندیشمندان روزگار را گرد آورد تا با امام به بحث و گفت و گو بنشینند. فضل بن سهل چنین کرد و جاثلیق- بزرگ مسیحیان- و رأس الجالوت- بزرگ یهود- و روسای صائبین- ستاره پرستان- و هرید اکبر- بزرگ زرتشتیان- و فیلسوفان و متکلمان را فرا خواند و در مجلسی گرد آورد. مأمون به فضل بن سهلی آفرین گفت و او را تشویق کرد و به این عالمان و دانشمندان و فیلسوفان گفت: من شما را برای آن گرد آورده ام، تا با پسرعموی من- امام رضا (ع)- که از مدینه بر من وارد شده است، مناظره کنید. پس صبحگاهان همگی نزد من حاضر شوید و هیچ یک از شما سرباز نزنید.

حسن بن محمد نوفلی گوید: ما در خدمت امام ابوالحسن الرضا (ع) بودیم، که ناگهان یاسر خادم وارد شد و گفت: ای سید و آقای من، خلیفه به شما سلام می رساند و چنین پیام داده است که: برادرت فدایت شود، فرهیختگان و اندیشمندان و رهبران ادیان و متکلمان از تمامی ملتها در این جا گرد آمدند، اگر دوست می دارید با آنان گفت و گو کنید، صبحگاهان نزد من آید و اگر دشوار می باشد به خود سختی مدهید، ما نزد شما می آییم و این برای ما آسان است. حضرت فرمود: به مأمون بگو من خواسته تو را می دانم و صبحگاهان در مجلس تو حاضر می شوم. نوفلی گوید: چون یاسر خادم رفت، حضرت روی به من کرد و گفت: از اینکه مأمون اینان- دانشمندان، بزرگان مذاهب و ادیان- را چنین گرد آورده است به نظرت چه می رسد؟ گفتم: فدایت شوم، می خواهد شما را امتحان کند و دوست دارد میزان علم و دانش شما را بفهمد اما به خدا سوگند، روش بدی را در پیش گرفته است. امام رضا (ع) فرمود: روش او چیست؟ عرض کردم: اصحاب کلام و مجادله بر خلاف علما می باشند، آنها اهل انکار هستند و اگر برای آنها دلیل بیاورید که خداوند تعالی واحد است، می گویند ثابت کن و همچنین اگر بگویند محمد (ص) رسول خداست می گویند رسالت او را ثابت کن و تا آن جا چنین می گویند تا شخص سرگردان شود و هر چه با حجت و دلیل، گفته آنها را باطل کنید، مغالطه می کنند تا بدان جا که شخص از گفته خود دست بردارد. پس فدایت شوم، از آنها دوری نمایید.

در این هنگام حضرت تبسم نموده و فرمودند: ای نوفلی! آیا می ترسی که دلایل مرا باطل کنند؟ عرض کردم: نه به خدا سوگند، من هرگز چنین گمانی درباره شما نمی برم. امیدوارم حق تعالی شما را بر آنها پیروز گرداند. امام فرمود: ای نوفلی! آیا دوست داری بدانی مأمون چه وقت از عمل خویش پشیمان می شود؟ عرض کردم: آری؟ امام فرمود: آنگاه که دلایل مرا در برابر اهل تورات با

توراتشان و در برابر انجیل باوران با انجیلشان و در برابر اهل زبور با زبورشان و با صائبین با منطق خودشان و با زرتشتیان با زبان فارسی و با رومی‌ها با زبان رومی و بشنود. پس آنگاه که زبان هر گروهی را ببندم (پاسخ استواری به آنان بدهم) و نادرستی دلایل آنها را آشکار سازم و هر یک از گفته خویش دست بردارند و گفته مرا بپذیرند؛ در آن وقت مأمون آگاه می‌شود که آنچه در سر داشته است پوچ بوده و هرگز به مقصود خویش دست نخواهد یافت. آنگاه است که پشیمان می‌شود.

چون سپیده دمان فرا رسید و همگان از امیران لشکر و بنی هاشم و مردم در مجلس مأمون گرد آمدند. آنگاه حضرت وضو گرفت و شربتی آشامید و به مجلس وارد شد و با مأمون به گفت و گو پرداخت تا آنگاه که مأمون روی به جاثلیق کرد و گفت: ای جاثلیق! این پسر عم من، علی بن موسی بن جعفر (ع) است و از فرزندان فاطمه (س) دختر پیامبر ما و علی بن ابی طالب (ع) است که من دوست دارم با او به گفت و گو و مناظره بپردازم و با انصاف رفتار کنی. پس این مناظره‌ها و گفت و گوها ادامه یافت تا آن جا که امام هر یک از اندیشمندان و فیلسوفان و متکلمان را با برهان و دلیل قانع ساخت و مطلب را برای همگان آشکار کرد و هر یک از آنها گفته‌های امام را پذیرفتند و دست از دلایل و عقیده‌ی خویش برداشتند.

بی تردید این شیوه پیشوای هشتم در چگونگی مبارزه با تهاجم فرهنگهای بیگانه که با نقشه خلفای ستمگر ترتیب داده شده بود، از جمله برترین روشها در عصر کنونی می‌باشد که می‌توان با بهره‌گیری از آن، تا حد بسیار زیادی به مقابله با افکار تحمیلی از سوی کشورهای اسلام ستیز اقدام نمود.

منابع:

۱- قمی، منتهی‌الأمال، ج ۳: ۱۶۸۳.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱: ۱۵۴.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰: ۲۹۹.

۴- حکیمی، سیره امام رضا (ع): ۲۴-۲۰.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۴۶۴/راهکارامام-رضا-درمقابله-درباره-ع-رضا-راهکارامام>